اخبار

سرلشکر وحیدی:

تداوم حضور، تنها راه پیروزی نهایی در جنگ سوم تحمیلی است

فرمانده کل سپاه نوشت: تداوم حضور آگاهانه در تمام عرصه‌های حساس ملی، تنها راه پیروزی نهایی در این جنگ تحمیلی است. به گزارش تسنیم، سردار سرلشکر احمد وحیدی با صدور پیامی در پی ۲۰۰ شب میدان‌داری و حماسه‌سازی ملت ایران تاکید کرد: این میدان‌داری هدفمند و راهبردی، بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی و عملی برای نیروهای مسلح و رزمندگان اسلام در خط مقدم دفاع از حریم امنیت ملی و تمامیت سرزمینی است. تداوم این حضور آگاهانه در تمام عرصه‌های حساس ملی، از جمله «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی»، «تولید علم و فناوری»، «حفظ آمادگی همه‌جانبه دفاعی و تهاجمی» و «افزایش هوشمندی و هوشیاری در برابر جنگ رسانه‌ای و روانی جبهه دشمن»، تنها راه پیروزی نهایی در این جنگ تحمیلی پیچیده و مدرن است.

■ **ترور مولوی گرگیج نشانه شکست دشمن از مردم سیستان و بلوچستان است**

فرمانده‌کل سپاه همچنین در پیامی، شهادت مولوی یوسف گرگیج را نشانه استیصال آمریکا و رژیم صهیونیستی دانست و بر انتقام تاکید کرد. به گزارش تسنیم، سردار سرلشکر وحیدی با صدور پیامی در پی شهادت مجاهد بصیر مولوی یوسف گرگیج تاکید کرد: ترور ناجوانمردانه عالم جلیل‌القدر و مجاهد بصیر مولوی یوسف گرگیج توسط تروریست‌های مزدور، نشان روشنی از استیصال آمریکا و رژیم صهیونی و دلیل آشکاری بر شکست آنان از مردم غیرتمند سیستان و بلوچستان است. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

وَلَاتَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فِی سَبیلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ

ترور ناجوانمردانه عالم جلیل‌القدر و مجاهد بصیر، مولوی یوسف گرگیج، توسط تروریست‌های مزدور، نشان روشنی از استیصال آمریکا و رژیم صهیونی و دلیل آشکاری بر شکست آنان از مردم غیرتمند سیستان و بلوچستان است. شهادت این روحانی خستگی‌ناپذیر و وحدت‌آفرین را به مردم نجیب آن خطه پرافتخار تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و برای آن شهید سعید غفران و رضوان الهی و برای بازماندگان محترم صبر و اجر خواستارم. این شهادت مظلومانه راه او را پررهروتر کرد و با او میثاق می‌بندیم پرچمش را بر زمین نخواهیم گذاشت و انتقام او را خواهیم ستاند.

سرلشکر پاسدار احمد وحیدی
فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سرلشکر حاتمی:

قدرت واقعی ایران در ایمان و اراده ملت ریشه دارد

فرمانده کل ارتش تأکید کرد حضور ۲۰۰ شبه مردم بار دیگر پیوند ملت و نظام را به نمایش گذاشت. به گزارش تسنیم، امیر سرلشکر امیر حاتمی با صدور پیامی، حضور آگاهانه، بصیرتمند و دشمن‌شکن ملت بزرگ ایران در ۲۰۰ شب متوالی را جلوه‌ای ماندگار از ایمان، همبستگی و عزم ملی و تجلی استحکام ساخت درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران دانست.

متن پیام بدین شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

حضور آگاهانه، بصیرتمند و دشمن‌شکن ملت بزرگ ایران در دویست شب متوالی، جلوه‌ای ماندگار از ایمان، همبستگی و عزم ملی و تجلی استحکام ساخت درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران است. این حضور باشکوه که در خونخواهی امام شهید، تجدید بیعت با رهبر معظم انقلاب اسلامی و حمایت و پشتیبانی از نیروهای مسلح قهرمان کشور تبلور یافته، بار دیگر عمق پیوند ناگسستنی ملت و نظام را به نمایش گذاشت. اجتماعات پرشور و شبانه مردم ولایتمدار و بصیر ایران، پیام روشنی برای دشمنان این مرزوبوم داشت؛ ملتی که در سخت‌ترین میدان‌ها با وحدت و ایستادگی در صحنه حاضر است، اجازه نخواهد داد محاسبات و طراحی‌های دشمنان علیه امنیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران اسلامی به نتیجه برسد. این حضور تاریخی، محاسبات دشمن را بر هم زد و نشان داد قدرت واقعی ایران، در کنار توان دفاعی و بازدارندگی نیروهای مسلح، در ایمان، وحدت و اراده ملت بزرگ ایران ریشه دارد. اینجانب ضمن تجلیل و تکریم این حضور آگاهانه و مسؤولانه، در برابر عظمت ملت شریف ایران سر تعظیم فرود می‌آورم و اطمینان دارم ارتش جمهوری اسلامی ایران و سایر نیروهای مسلح، با اتکال به خداوند متعال، تحت فرماندهی فرمانده معزز کل قوا و با پشتوانه ملت عزیز، همچون گذشته با اقتدار از امنیت، تمامیت ارضی و عزت ایران اسلامی پاسداری خواهند کرد.

سرلشکر ستاد امیر حاتمی
فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران

پنجاه و دومین پهپاد MQ9 آمریکا در آسمان قشم منهدم شد

روابط عمومی کل سپاه پاسداران از رهگیری و انهدام پنجاه و دومین پهپاد MQ۹ ارتش تروریست آمریکا در آسمان قشم خبر داد. به گزارش تسنیم، روابط عمومی کل سپاه پاسداران اعلام کرد: بامداد امروز (دیروز چهارشنبه، ساعت ۲:۲۹ دقیقه) پنجاه و دومین پهپاد MQ۹ ارتش تروریست آمریکا به وسیله آتش سامانه نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور در آسمان جزیره قشم رهگیری و منهدم شد. در طول جنگ سوم تحمیلی، صدها فروند پهپاد متجاوز توسط پدافند هوایی کشورمان ساقط شده‌اند که پهپادهای «لوکاس»، «هرمس»، «MQ۱» و «MQ۹» نیز میان آنها بوده‌اند. همچنین چند روز پیش روابط عمومی کل سپاه پاسداران از انهدام یک فروند شناور بدون سرنشین (شهپاد) ارتش آمریکا در ورودی تنگه راهبردی هرمز خبر داده بود. این عملیات شامگاه پنجشنبه ۱۹ شهریور انجام شد و اقدامی دقیق، هوشمندانه و به‌موقع در دفاع از تمامیت ارضی و منافع حیاتی کشور تلقی می‌شود.

چگونه خلاقیت راهبردی و تاکتیکی ایران برتری مادی دشمن را به چالش کشید؟

دفاع ایرانی

مجید بهستانی

در ایام گرامیداشت سلحشوری‌های فرماندهان و رزمندگان ایران در دفاع از حریم اسلام و خاک میهن در پی تجاوز ائتلاف بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان و منطقه، به سرکردگی و پیشرانی رژیم بعث عراق قرار داریم. بازخوانی مدام و چندلایه و چندبعدی، وظیفه همیشگی نخبگانی و همگانی است. آن جنگ تحمیلی درس‌های زیادی برای امروز و فردا دارد، کما اینکه مقایسه آن با جنگ‌های تحمیلی اخیر هم پر از درس‌ها و عبرت‌ها خواهد بود. در این یادداشت، خیلی کوتاه به توانمندی‌های ذهنی نیروهای رزمنده در نبرد با متجاوزان تا بن دندان مسلح و حرفه‌ای توجه خواهد شد. قبل از هر چیز نباید فراموش کرد در تجربه نظامی نیم قرن جمهوری اسلامی، متجاوزان به این آب و خاک، همواره جزو قوی‌ترین قدرت‌های نظامی وقت دنیا به حساب می‌آمدند. در جنگ ۸ ساله، رژیم بعث عراق قوی‌ترین ارتش منطقه را داشت، در حالی که آمریکا، شوروی و دولت‌های اروپا هم به عنوان بزرگ‌ترین ارتش‌ها و صنایع نظامی پیشرفته، پشتیبان اصلی نظامی - اطلاعاتی ارتش بعث بودند. در یک سال پایانی هم آمریکا مستقیما وارد نبرد علیه ایران شد تا کار تهران را یکسره کند. مجددا در ۲ جنگ اخیر، رژیم صهیونیستی دارای مجهزترین ارتش در منطقه غرب آسیاست و آمریکا به عنوان قوی‌ترین و به‌روزترین ارتش دنیا، رهبری مستقیم تجاوز به ایران را بر عهده گرفت. تمام جنگ‌های تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، برای تغییر و تحول در نظم منطقه‌ای انجام شده است. در برابر همه آنها نیز ایران مستحکم ایستاده است، حتی اگر زخم خورده.

یکی از مؤلفه‌های مهم مطالعه این جنگ‌ها، محققان را به «جنگ ایرانی» می‌رساند. این عنوان‌گذاری از آن رو است که ایرانی‌ها برای مدیریت و فرماندهی جنگ خصوصیاتی دارند که رنگ آن ایرانی است. به عبارت دیگر، فرماندهان و دانشمندان نظامی ایرانی مؤلفان و مبتکران نوع جدیدی از جنگیدن هستند. جنگ ایرانی زمانی متولد می‌شود که ذهن ایرانی در تنگنای واقعیت‌های خارجی قرار می‌گیرد. به هر حال شوربختانه دشمنان همچنان به جهت علمی و فناوری، عِده و عُده، بر توانمندی‌های مادی کشورمان برتری دارند. همین حساب و کتاب، دشمنان را در ابتدا به خطا می‌اندازد که در برابر هجمه سخت نظامی، ستون فقرات نیروهای مسلح‌مان فرومی‌پاشد. الان شنیدن این سخن سبب مضحکه است ولی باور عمیق صدام ملعون، دولت او و تعدادی از کارشناسان نظامی و اطلاعاتی غرب و شرق، در آن روزها این بود: «۳ روزه اهواز، ۷ روزه تهران». مجددا پس از ۸ سال ناکامی در پیشروی در خاک پاک ایران، با این تحلیل راهبردی غلط، در عملیات «فروغ جاویدان» به عمق خاک کشورمان یورش آوردند. حالا همان تحلیل‌های غلط به جنگ‌های ارتش رژیم در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ علیه ایران منتج شد. گزاف نیست اگر بگوییم در تنگناهای مادی، به لطف یزدان، ذهنیت ایرانی بر دشمن غلبه کرده و معادلات میدان بر هم می‌ریزد.

این نوآوری در چند دسته و محور، قابل دسته‌بندی است.

تعدادی از این نوآوری‌ها در راهبرد، تاکتیک و محصولات نظامی برشمرده می‌شود. تمام عملیات‌های بزرگی که ایرانیان در سال‌های ۶۰ و ۶۱ و پس از آن طراحی کردند، از ثامن‌الائمه و طریق‌القدس گرفته تا والفجر ۸، محصول هوش ایرانیان بودند. این هوشمندی سبب شکل گرفتن عنصر غافلگیری در میدان جنگ می‌شد. دشمن از نقطه‌ای ضربه می‌خورد که گمان نمی‌کرد و آمادگی دفاع به‌موقع و موثر نداشت. در عملیات ثامن‌الائمه چه کسی گمان می‌کرد به‌کارگیری دانش قنات سبب رفع حصر آبادان خواهد شد؟ یا در طریق‌القدس چگونه دانش مهندسی روز به آماده‌سازی راه‌های موقت برای عبور ماشین‌آلات جنگی و نیروی انسانی از تپه‌های رملی کمک کرد؟ یا در زیر انواع دستگاه‌ها و امکانات جاسوسی و اطلاعاتی، چگونه فرماندهان می‌توانستند به‌خوبی تاکتیک «یورش موج انسانی» را با کمترین ضریب خطا اجرا و دشمن را دچار شوک کنند؟ استفاده از تاکتیک‌های «دفاع متحرک» یا «عمق بخشی به دفاع» از دیگر موارد خلاقیت طراحان نظامی ایران بود. در مقابل نقاط قوت دشمن، ایران روی نقاط ضعف آن فکر می‌کرد. در اولی، به نقاط مختلف از جبهه اشغالی حملاتی کوچک و بزرگ ترتیب داده می‌شد و بر اساس تاکتیک دوم، در عمق خاک عراق عملیات انجام می‌شد تا دشمن وادار به عقب‌نشینی شود.

همچنین وقتی کار جبهه‌ها قفل شد، جذب نیروی مردمی بانگیزه و فداکار، در دستور کار قرار گرفت تا هم سازمان رزم سپاه تشکیل شود و هم در قالب نیروهای مردمی، سازمان رزم بسیج ساماندهی شود. مهندسان و اساتید علوم مهندسی دانشگاه‌ها نیز سرخط شدند تا برای گرفتاری‌ها چاره یابند. ساخت پل متحرک یا پرنده‌های شناسایی و رزمی مهاجر یا عملیاتی‌سازی قایق‌های عاشورا از ابتکارات فنی - مهندسی ایرانیان به شمار می‌آید.

در سطح عملیاتی نیز فرماندهان نیروهای زمینی، هوایی و دریایی، خلاقیت‌های متنوعی را در طراحی عملیات با امکانات محدود اجرا کردند که به خلق صحنه‌های شگفت‌انگیز در میدان نبرد منجر شد. از زمره آنها می‌توان به عملیات H3 و پروازهای فریبکارانه در نیروی هوایی، عملیات مروارید در دریا و عملیات آبی - خاکی «والفجر ۸» اشاره کرد. یا شهید دکتر مصطفی چمران ایده جنگ‌های چریکی را وارد عملیات‌های نامنظم کرد و تفکر ارتش کلاسیک عراق را بر هم زد.

اگر مقایسه شود، در جنگ اخیر هم خلاقیت ایرانی و جنگ ایرانی ظهور و بروز دارد. تحت فشار قرار دادن نظامیان تروریست آمریکایی در منطقه و گروگان گرفتن اقتصاد جهان با کنترل و مدیریت تنگه هرمز، راهبردی است که اکنون ایران در پیش گرفته. بستن نگه داشتن تنگه در مقابل شیطنت‌ها و نیز تضعیف تاکتیک محاصره دریایی دشمن، به این صورت است که برای ایران هزینه چندانی ندارد ولی برای آمریکایی‌ها حفظ ناوگان گسترده در پهنه دریایی منطقه بسیار پرهزینه است. اخیرا ترامپ گفته نمی‌تواند ۲۴ ساعته از آزادی کشتیرانی در منطقه حفاظت کند و به صورت موردی این کار را خواهد کرد، چون هر پرواز ۷۵ هزار دلار در ساعت برای ارتش آمریکا آب خواهد خورد. تشدید حملات مستقیم به ناوگان نظامی آنها قطعا شرایط را برای دشمن سخت‌تر خواهد کرد. همچنین ایران ۲ ابتکار مهم در این دفاع مقدس از خود نشان داد؛ یکی ارتش گسترده پهپادی که با هزینه کم به دارایی‌های گرانقیمت دشمن در منطقه یورش می‌برد؛ بیش از نیمی از طراحی‌های عملیاتی روی توان پهپادی سوار می‌شود. دیگری، یورش موشکی که تقریبا در جهان بی‌نظیر است. قوی‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان نیز نمی‌توانند این حجم گسترده آتشباران را رهگیری و منهدم کنند. به جهت راهبردی، ایران بر ناامن‌سازی منطقه برای ارتش تروریست آمریکا و متحدانش رو آورد. همچنین هزینه نگهداری و به‌روزرسانی سنتکام به مراتب بالا رفته است. امروز یکی از سوالات مهم ژنرال‌های آمریکایی این است: اگر قرار بر ماندن در منطقه باشد، چگونه و با چه هزینه‌ای ممکن می‌شود؟ تکیه صرف بر توانمندی آمریکا نیز برای کشورهای منطقه زیر سوال رفته و این حیثیت یانکی‌ها را بر باد داده است. اتفاقات مهم دیگری هم افتاده که چون همچنان در شرایط جنگ به سر می‌بریم، برشمردن آنها فعلا به صلاح نیست.

از ساختار دفاعی تا شبکه مقاومت ایران؛ چرا آمریکا با یک معمای راهبردی روبه‌رو شده است؟

پنتاگون مبهوت معمای ایرانی

فاطمه یوسفی

در تاریخ منازعات راهبردی معاصر، دکترین «قطع سر» همواره گل سرسبد نظریات پنتاگون و سازمان‌های اطلاعاتی غرب برای مهار یا براندازی نظام‌های انقلابی بوده است. این رهیافت بر یک انگاره سنتی و ساده‌انگارانه در جامعه‌شناسی سیاسی استوار است؛ فرضیه‌ای که مدعی است ساختارهای سیاسی برآمده از خیزش‌های ضداستعماری در جهان اسلام، منظومه‌هایی شدیدا متمرکز، شکننده و قائم به شخص هستند. طبق این فرمول‌بندی، اتاق‌های جنگ واشنگتن و تل‌آویو باور داشتند با وارد آوردن تکانه‌های خردکننده به هرم هدایت، ایجاد فشارهای امنیتی حداکثری و ترور رأس حاکمیت، شریان‌های حیاتی تصمیم‌گیری در تهران قطع خواهد شد و کل پیکره نظام اسلامی در کسری از زمان دچار ایست قلبی، گسست ادراکی و فروپاشی درون‌زا می‌شود. بر همین بستر بود که ائتلاف متخاصم در نبرد جاری، تمام سرمایه اطلاعاتی، سایبری و هوایی خود را به کار گرفت تا با جنایت ترور رهبر حکیم انقلاب اسلامی، کار جمهوری اسلامی را یکسره کند.

آنچه اما در میدان معادلات رخ داد، برای ناظران غربی به یک معمای لاینحل راهبردی بدل شد. ماشین حاکمیتی و دفاعی کشور نه‌تنها از حرکت بازنایستاد و دچار ایستایی یا شکاف نخبگانی نشد، بلکه با انضباطی ریاضی‌وار، بی‌درنگ سطوح تصاعدی آتش، مدیریت صحنه و فرآیندهای بازتولید قدرت را به نمایش گذاشت. این انسجام حیرت‌انگیز نشان داد بقای تاریخی جمهوری اسلامی بر یک تصادف مقطعی تکیه ندارد، بلکه محصول دهه‌ها مهندسی هوشمندانه در طراحی ساختار سیاسی و امنیتی کشور است؛ معماری کم‌نظیری که توسط رهبر شهید، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای اعلی‌الله مقامه‌الشریف پایه‌ریزی شد تا حاکمیت را از وابستگی به اراده‌های فردی رهانیده و به یک سامانه خودکار، مصون از شوک و شکست‌ناپذیر بدل کند.

■ **خداحافظی با مسأله چند هزارساله خلأ قدرت در ایران**

در علم سیاست کلاسیک، گذر از دوره‌های بحران معمولا پاشنه آشیل نظام‌هایی است که از فرهمندی و کاریزمای رهبران خود تغذیه می‌کنند. هنر بی‌بدیل امام شهید در طول ۳۷ سال زعامت، حل این تضاد بنیادین از طریق «نهادینه‌سازی عمیق کاریزما» در بستر قانون‌گرایی و ساختارسازی پیشرفته بود. بر خلاف آن دسته از پژوهشگرانی که سعی داشتند سنخ رهبری ولی فقیه را با چارچوب رهبری کاریزماتیک «وبر» تشریح کنند، حضرت معظم‌له اجازه ندادند مشروعیت الهی و مردمی نظام در انحصار فرد باقی بماند، بلکه آن را به روح حاکم بر شوراهای بالادستی و سازوکارهای قانونی بدل کردند. در این طراحی، نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و رویه‌های دقیق قانون اساسی در خصوص مجلس خبرگان و مدیریت دوران گذار، به گونه‌ای بازمهندسی شد که پدیده‌ای به نام خلأ قدرت در دستور زبان سیاسی ایران سالبه به انتفای موضوع باشد.

اصل راهبردی در این معماری، افزونگی ساختاری و کارکردی است؛ به این معنا که هیچ مأموریت حیاتی و حیاتی‌ترین کارویژه‌های حاکمیت به یک نقطه اتکای منفرد وابسته نیست. بدین سان، جهت‌گیری کلان تمدنی، سیاست‌های دفاعی، رویکردهای اقتصاد ملی و اراده ایستادگی در تاروپود نهادهای سیاسی و امنیتی چنان قوام یافته که حتی دراماتیک‌ترین حوادث نیز نمی‌تواند قطب‌نمای حرکت کشور را دستخوش اعوجاج یا تعلیق کند.

از این منظر بنیادین، جمهوری اسلامی ایران توانست خط ریل تاریخ و فلسفه سیاست در این جغرافیا را پس از چند هزار سال دگرگون کند و بزرگ‌ترین گسست معرفتی را از سنت دیرپای قدرت رقم بزند. در حافظه تاریخی این سرزمین، امر سیاسی همواره پدیده‌ای شخص‌محور، قائم به فرد و گره‌خورده به سرنوشت بیولوژیک شاهان، سلاطین و نخبگان حاکم بود؛ الگویی به‌شدت شکننده که با زوال یا حذف فیزیکی رأس هرم، شیرازه کشور را در مغاک هرج‌ومرج، بحران جانشینی، ملوک‌الطوایفی و فروپاشی فرومی‌برد. نبوغ ساختارساز رهبر شهید در این بود که برای نخستین‌بار در تاریخ این تمدن کهن، حاکمیت را از مدار بسته و آسیب‌پذیر قائمیت به فرد خارج کردند و آن را بر ریل نهادمندی عمیق، قانون اساسی انقلابی و عقلانیت پایدار سیستمی نشاندند. این دستاورد بی‌سابقه، بقای ملی و حاکمیت سیاسی ایران را از یک متغیر لرزان و وابسته به اشخاص، به سازه‌ای نهادینه‌شده، خودترمیم و مستقل از حوادث تقلیل‌ناپذیر ارتقا داد؛ تحولی ژرف که ایران را برای همیشه از چرخه چند هزار ساله بحران بقا در پی ضربه به حاکم عبور داد و عصر بلوغ ساختاری و فناناپذیری نهادی را در سپهر سیاست ایرانی متولد کرد.

■ **این قدرت، اجتماعی است و جنگیدن با جامعه غیرممکن**

تجلی این نبوغ ساختاری در تراز نیروهای مسلح، پدیده‌ای را شکل داد که در تاریخ تحولات نظامی مدرن مطلقا بی‌سابقه است. ارتش‌ها در نظام‌های متعارف عموما پدیده‌هایی جزیره‌ای، مکانیکی و بریده از توده‌های مردم هستند که با بمباران ستادها یا ضربه به رأس فرماندهی، زمینه انفعال و تسلیم را آشکار می‌کنند اما امام شهید هندسه دفاعی ایران را بر یک مثلث به هم‌پیوسته و درون‌زا بنا نهادند. در این منظومه، ارتش جمهوری اسلامی ایران به مثابه ستون کلاسیک، منضبط، وفادار و مقتدر صیانت از تمامیت ارضی در مرزهای زمینی، هوایی و دریایی عمل می‌کند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جایگاه پیشران راهبردی، خلاق و متخصص در نبردهای نامتقارن، هوافضا و جنگ‌های مدرن ترکیبی صف‌آرایی کرده و بسیج مستضعفان به مثابه اقیانوس پایان‌ناپذیر ایمان و سازمان‌یافتگی توده‌های جامعه، عمق دفاعی را تا سطح محلات، کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و مساجد امتداد بخشیده است.

ادغام ساختارمند بسیج در بدنه دفاعی کشور، شکاف تاریخی میان جامعه و دستگاه امنیت را در ایران برای همیشه درمان کرد. حضور مویرگی مردم در ساختار، مانع آن شده که دشمن با ضربات تکنولوژیک، رشته پیوند ملت با حاکمیت را بگسلد. این ساختار چندلایه تضمین می‌کند اگر بازویی آسیب ببیند، رکن دیگر هدایت میدان را در دست گرفته و عقبه مردمی در کسری از زمان با ترمیم خطوط نبرد، هر متجاوزی را در باتلاقی غیرقابل مهار و فرسایشی زمین‌گیر می‌کند؛ معادله‌ای پیچیده که ژنرال‌های غربی فاقد هرگونه داده تحلیلی برای مواجهه با آن هستند.

■ **فشار بیشتر، سلاح‌های خطرناک‌تر ایران را بیدار می‌کند**

ژرف‌ترین بعد تئوریک در طراحی امام شهید خامنه‌ای، ارتقای جمهوری اسلامی از یک نظام صرفا «مقاوم» به یک ارگانیسم پادشکننده بود. سیستم‌های صرفا مقاوم زیر ضربات مداوم دچار فرسودگی می‌شوند اما ارگانیسم پادشکننده پدیده‌ای است که اساسا برای تکامل، ارتقای کیفی و پرتاب به مدارهای بالاتر قدرت، به تنش‌ها و تکانه‌های سخت بیرونی نیاز دارد. در این هندسه نوآورانه، تهاجم همه‌جانبه، جنایات ترور یا تحریم فلج‌کننده دشمن، به مثابه یک ماشه خودکار ساختاری عمل می‌کند.

کارکرد این ماشه آن است که با وقوع تجاوز، بلافاصله محافظه‌کاری‌ها، رخوت‌های بروکراتیک و قیود خودخواسته دیپلماتیک که در دوران صلح بر دست‌وپای سیستم تنیده شده بودند، خودبه‌خود باطل می‌شوند. در نتیجه، فضای روانی و سیاسی جدید، اراده نظام را یکدست کرده و به‌سرعت سطوحی از توانمندی‌های راهبردی که در زمان عادی در حالت رزرو قرار داشتند، قفل‌گشایی و روانه میدان نبرد می‌شوند. دشمن تصور می‌کرد ضربه می‌زند تا اراده نظام سلب شود اما غافل از آن بود که ضربه‌اش موتور محرک پیشرفت نسلی، تزریق خون تازه به بدنه مدیریتی و تهاجمی‌تر شدن رفتار منطقه‌ای جمهوری اسلامی است.

انعکاس منطقه‌ای این ساختار، خنثی‌کننده بزرگ‌ترین استراتژی مهار آمریکا و رژیم اشغالگر صهیونی در غرب آسیا بوده است. سال‌ها دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، محور مقاومت را شبکه‌ای از نیروهای نیابتی وابسته به تهران معرفی می‌کردند؛ توهمی که آنان را به این نتیجه رساند با ترور آیت‌الله شهید سیدحسن نصرالله، فرماندهان مقاومت در منطقه و سپس ترور رهبر شهید، شاکله جبهه مقاومت از هم می‌پاشد اما واقعیت روزآمد حاکی از پیروزی یک طراحی ریزومی (زمین‌ساقه‌ای) در سراسر منطقه است؛ شبکه‌ای که فاقد ساقه یا ریشه یگانه است، به صورت افقی گسترش یافته و در صورت قطع شدن شاخه‌ای، از گره‌های نامتناهی دیگر بازتولید می‌شود.

رخدادهای اخیر به‌ویژه در یمن نشان می‌دهد مقاومت به یک اکوسیستم خودسامان ارتقا یافته است. انصارالله در باب‌المندب و دریای سرخ شریان‌های حیاتی صهیونیست‌ها را مسدود می‌کند، مقاومت عراق عمق مواضع دشمن را هدف قرار می‌دهد و حزب‌الله لبنان با وجود شدیدترین فشارها، انضباط آتش و هدایت پدافندی خود را حفظ کرده است. امام شهید به جای وابسته‌سازی این نیروها به دستورات لحظه‌ای از مرکز، فناوری، دانش تولید سلاح و اشتراک ادراکی-راهبردی را در بطن این جوامع بومی‌سازی فرمودند. نتیجه آن شد که این شبکه اکنون بدون نیاز به تلگراف‌های تاکتیکی، به شکل یک هوش جمعی خودکار، محاصره ژئواستراتژیک دشمن را تعمیق می‌بخشد.

■ **پنتاگون تمام کارت‌های خود را رو کرده و کارت جدیدی ندارد**

با فرونشستن غبار توهمات دشمن، اکنون افق آینده بیش از هر زمان دیگری روشن است. اتاق‌های فکر متخاصم دریافته‌اند ترورهای راهبردی، خرابکاری سایبری و جنگ‌های روانی نه‌تنها بنیادهای حاکمیت ایران را به لرزه درنیاورده، بلکه بالعکس، آخرین شکاف‌های داخلی را ترمیم، اراده نبرد را فراگیر و سامانه را در یک وضعیت آماده‌باش آفندی دائمی تثبیت کرده است. آنان با حکومتی مواجهند که بحران‌ها را به سکوی پرش تبدیل می‌کند؛ ساختاری که نه در بن‌بست مانده و نه برای استمرار بقا ناگزیر به کرنش در برابر نظم کهنه بین‌الملل است.

واشنگتن و تل‌آویو با یک ورشکستگی در نظریه مهار مواجه شده‌اند. پنتاگون و موساد پرهزینه‌ترین کارت‌های بازی خود را سوزانده‌اند، بی‌آنکه متوجه باشند در برابر حکومتی صف‌آرایی کرده‌اند که دهه‌ها پیش از وقوع واقعه، برای فردای سنگین‌ترین شوک‌ها ریل‌گذاری شده است.

در بیان پیروزی تاریخی معمار شهید همین بس که ایشان بازی قدرت را به گونه‌ای بازآرایی کردند که حتی فقدان کالبدشان نیز به عنوان آخرین قطعه از پازل بازدارندگی عمل کند و دشمن را با دست‌هایی کاملا خالی در برابر خطوط آتشی فعال‌تر تنها بگذارد. امروز کابوس بی‌پاسخ محافل راهبردی غرب این است که وقتی مرگبارترین ضربه ممکن نتوانست نبض این ساختار را کُند کند، از این پس با چه اهرمی می‌توان جلوی پیشروی آن را گرفت؟ این بن‌بست ادراکی، آغازگر فصلی برگشت‌ناپذیر در تاریخ غرب آسیاست؛ عصری که در آن جمهوری اسلامی ایران در قامت ناظم بلامنازع میدان، قواعد دوران پساهژمونی را دیکته می‌کند.